

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دهم / دوره جدید / شماره ۳۸ / زمستان ۱۳۹۳
صص ۸-۱۷

نحوه مواجهه ائمه اهل بیت (ع) با جتهاد و انحراف (مطالعه موردی اهل سنت و غالیان)

• میثم فرخی

دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

mfarokhi65@gmail.com

• حامد سجادی

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

hamed.sajadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۷

چکیده

شیعه امامیه که یکی از جریانهای جدی در دین اسلام است، به عنوان یک مذهب اسلامی و با توجه به حجم تولیدات اندیشه‌ای، از جایگاه مهمی برخوردار است. در این زمینه حضور امامان شیعه طی ۲۵۰ سال، بر تولید گسترده و عمیق اندیشه این مذهب، تأثیر شگرفی گذارده است. از طرفی با توجه به جایگاه این مذهب، نحوه تعامل آن با مذاهب دیگر اسلام بر کیفیت مناسبات و همبستگی اجتماعی جهان اسلام بسیار مؤثر است. از این رو در این نوشتار ارتباط شیعیان با اهل سنت و غالیان به مثابه دو فرقه مذهبی از منظر نشانه شناختی فرهنگی در حوزه روایات ائمه اطهار (ع) مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس، غالیان به دلیل آنکه «دیگری فرهنگی نزدیک» به شمار می‌روند، تعارضات هویتی جدی تری با شیعه امامیه در مقایسه با اهل سنت - به عنوان «دیگری دور» - دارند. حاصل این روند توصیه به عدم ارتباط با غالیان و ارتباط حسنه و محترمانه با اهل سنت در دو سطح اعتقادی و رفتاری است.

کلیدواژه‌ها: امامان شیعه (ع)، غالیان، اهل سنت، نشانه شناسی فرهنگی، دیگری دور، دیگری نزدیک.



مقدمه

اجتماع مسلمان از نخستین دهه‌های شکل‌گیری با موضوع تکثر دیدگاه‌های اسلامی و غیر اسلامی روبه‌رو بود که گاه همسو و گاه متعارض بودند. از جهت عمق اندیشه‌ای این رویکردها و نیز دامنه پیروان نیز تفاوت چشمگیری در میان آنها یافت می‌شد. در این میان نحوه تعامل و ارتباط هر دیدگاه با سایر دیدگاه‌های هم‌سنخ، نقش مهمی در تعیین جایگاه هویتی و نیز میزان اثرگذاری فرهنگی آن بر بدنه اجتماعی داشت.

در مجموع می‌توان این نحله‌ها را به دو بخش اهل تسنن و اهل تشیع تقسیم کرد که البته هرکدام از آنها دارای زیربخش‌های متعدد می‌باشند. یکی از مهم‌ترین جریانهای فکری از صدر اسلام تاکنون، شیعه امامیه می‌باشد که بر پایه تعلیمات ائمه (ع) از قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص)، تاکنون به حیات اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی خویش ادامه داده است. از آنجا که در نگاه شیعه امامیه، ائمه (ع) معصوم می‌باشند، سیره و سخنان ایشان، جایگاه مهمی در شناخت پیروانشان از معارف اسلامی ایفا می‌کند و به نوعی این موارد، تنظیم‌کننده اعتقادات و رفتار شیعیان می‌باشد.

اگرچه غیر از شیعه امامیه، دهها فرقه در کتب فرق و اصناف ذکر شده است، اما از منظر بررسی تعامل و ارتباط، اولاً؛ در هر دوره زمانی، جایگاه اجتماعی هر فرقه متفاوت بوده است، ثانیاً؛ هر فرقه با گروه خاصی از فرق دیگر ارتباط داشته است که این موضوع به دلیل وجود نوعی تفاوت و یا شباهت خاص در برخی از دیدگاه‌هایشان می‌باشد. جریان کلی اهل تسنن را می‌توان به عنوان یکی از نحله‌های مرتبط با شیعه امامیه ذکر کرد که به علت گستردگی پیروان و نیز در دست داشتن قدرت، از اهمیت خاصی برخوردار بودند.

در کنار این موضوع، تفاوت دیدگاه شیعیان امامیه در موضوع خلافت، سبب می‌شد تا تعاملات اجتماع شیعیان با اهل سنت از حساسیت خاصی برخوردار باشد. البته میزان توجه به این حساسیت طی تاریخ، متفاوت بوده است، اما در دوره‌های اخیر با توجه به حضور کشورهای صنعتی غربی چه به عنوان استعمارگر و چه به مثابه هم‌پیمان در مناطق اسلام، این مسئله به موارد دیگری نظیر اقتدار و جایگاه کشورهای اسلامی نیز گره خورده است و نحوه ارتباط میان شیعیان و اهل سنت، نه تنها موضوعی دینی می‌باشد، بلکه تأثیر مستقیمی بر حضور و یا عدم حضور مخالفان اندیشه اسلامی در منطقه مسلمان نشین خاورمیانه دارد. بنابراین با توجه به مضاعف شدن اهمیت نحوه ارتباط با اهل سنت، رجوع به سیره فرهنگی ارتباطی ائمه (ع) در این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی دیگر از فرقه‌هایی که طی تاریخ با شیعه امامیه در چالش بوده است، تشیع افراطی یا غالیان می‌باشند. این گروه به سبب تندروی در علاقه به ائمه و تصور جایگاه ربوبیت و بنا نبوت برای ایشان، تفاوت و تمایزی آشکار در میان فرق شیعه پیدا کرده‌اند. اگرچه پیروان این عقیده در طول تاریخ کمتر از شیعیان امامیه بوده‌اند و توان حضور گسترده در مراکز سنتی معارف شیعه به ویژه بغداد و قم را نداشتند، اما هیچ‌گاه محو نشده‌اند و هم‌اکنون نیز تأثیر اندیشه‌ای آنها را می‌توان در علویان سوریه، ترکیه، عراق و غرب ایران مشاهده کرد.^۱

از آنجا که پژوهش حاضر سعی در ارائه مقایسه‌ای توصیفی از رویکرد ارتباطی امامان شیعه (ع) در قبال اهل سنت و غالیان دارد، بر همین اساس احادیث ایشان در مقابل این دو فرقه بر پایه الگوی تحلیلی

۱. تاریخ تشیع در ایران، ص ۶۲.





«خود و دیگر» مورد تحلیل قرار خواهد گرفت، تا تفاوت جایگاه هریک از این فرقه‌های دینی با شیعیان امامیه مشخص گردد.

چهارچوب و مفاهیم نظری

۱) نشانه‌شناسی فرهنگی

نشانه‌شناسی را در گسترده‌ترین مفهوم آن، مطالعه انواع شکل‌گیری و مبادله معنا بر مبنای نظامهای نشانه‌ای دانسته‌اند.^۲ اگرچه در این حیطه شاخه‌های متعددی ایجاد شده است، اما می‌توان نشانه‌شناسی فرهنگی را یکی از جدی‌ترین این موارد قلمداد کرد.

نشانه‌شناسی فرهنگی با گسترش مکتب نشانه‌شناسی مسکو - تارتو در نیمه دوم قرن بیستم، رواج جدی یافت. این دانش ریشه در اندیشه‌های متأخر سمبولیستهای قرن نوزدهم روسیه دارد که در ادامه توسط گروههایی نظیر زبان‌شناسان فرمالیست رشد و گسترش یافت و در نهایت در دهه ۱۹۶۰م به طور جدی روندی تازه را پی گرفت و آغاز به فعالیت نمود. روند مذکور در دو شهر مسکو و تارتو توسط دو نشانه‌شناس همکار به نامهای باریس اوسپینسکی و یوری لوتمان قوام یافت و به همین دلیل به مکتب نشانه‌شناسی مسکو - تارتو شهرت یافت.^۳ در واقع این مکتب در عرصه مطالعه نشانه‌های زیرزبانی (signes supra-linguistiques) و طرح و بسط یک «نشانه‌شناسی فرهنگ» سهمی جدی را دارا است.^۴

ویژگی متمایز جریان متأخر نشانه‌شناسی - که نشانه‌شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های جدی آن است - در مقایسه با نشانه‌شناسی گفتمانی در آثار افرادی نظیر بارت (Roland Barthes) و نیز نشانه‌شناسی

متقدم‌تر در آثار افرادی نظیر چارلز سندرس پرس (Charles sanders peirce) و فردیناند دو سوسور (Ferdinand de Saussure)، توجه جدی آن به فرایند دیدن دلالتی است.^۵ در واقع بر این مبنای، لزوماً تمامی دلالت‌های رفتاری و اجتماعی مسبوق به سابقه و صرفاً بر مبنای روابط بین متنی نیستند، بلکه بسیار از آنها در تعاملات اجتماعی و در موقعیتهای خاص فرهنگی و بر مبنای خلاقیت رخ می‌دهند. از این رو می‌توان به ارتباطات اجتماعی پرداخت و الگوهای مورد استفاده در تعاملات را مورد مطالعه قرار داد.

بر این اساس انسان در حکم موجودی مجهز به توانمندیهای نشانه‌شناختی، خود را با محیط پیرامون سازگار می‌کند و آن را تغییر می‌دهد. از این رو طی یک فرایند مستمر دگرگونی، محیط پیرامون ما تغییر می‌کند و به اصطلاح تاریخی می‌شود و این جهان تاریخی شده پویا است که فرهنگ نامیده می‌شود.^۶ با توجه به این تعریف می‌توان دریافت که فرهنگ در تعامل و مواجهه با غیر خود، اعم از محیط طبیعی و سایر فرهنگها، قابلیت‌ها و وجوه تمایز خویش را کشف و آشکار می‌سازد. در نتیجه فرایند ارتباط با سایر فرهنگها است که محورهای اصلی یک فرهنگ را هویدا می‌سازد.

۲) الگوی تقابلی خود (Ego) و دیگر (Alter)

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی هر فرهنگ - که در اصطلاح سپهرنشانه‌ای (Semiosphere) نامیده می‌شود - سعی در تشکیل محوریتی خود بنیاد دارد، تا بتواند تمامیت خویش را حفظ نماید.^۷ در واقع فرهنگ مدام در حال تلاش است، تا براساس سنتهای فرهنگی که طی تاریخ رسوب کرده‌اند، هویت خویش را تعریف کند. اما در

۲. نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، ص ۱۲۸.

۳. سیاست فرهنگی تفاوت و نشانه‌شناسی فرهنگی پدیده موسوم به جنبش سبز در جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۹.

۴. نشانه‌شناسی، ص ۱۵۳.

۵. جزوه درسی نشانه‌شناسی فرهنگی.

۶. نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، ص ۱۲۹.

۷. جزوه درسی نشانه‌شناسی فرهنگی.

عین حال جایگاه این فرهنگ خاص در میان سایر فرهنگها است که به آن تمایز می‌دهد؛ زیرا در بستر نافرنگ - البته از منظر همان فرهنگ خاص - فرهنگ در حکم یک نظام نشانه‌ای پدیدار می‌شود.^۸ بنابراین با رفتاری دوجهی از فرهنگ روبه‌رو هستیم؛ زیرا از یک سو آن سپهرنشانه‌ای - فرهنگ خاص - نوعی «بسته بودن» را ایجاد می‌کند که حکایت از عدم امکان برقراری تماس با متنهای دگر نشانه‌ای و نه محتوا دارد؛^۹ تا بر این مبنای تعریفی تعیین بخش از خود ارائه دهد و از سوی دیگر تلاش دارد، تا هویت ساخته شده «خود» را در تعامل و ارتباط با فرهنگهای «دیگر»، به کار بندد و ارزش بخشد؛^{۱۰} زیرا زمانی مشخص می‌شود فرهنگ چیست که بتوان گفت فرهنگ چه نیست.

نکته مهمی پیرامون مفهوم «دیگر» طیفی بودن و سطح بندی دیگرها است؛ زیرا در فضای سپهرنشانه‌ای دیگر را می‌توان در چندین مرتبه و به صورت سلسله مراتبی تفکیک نمود؛ به عنوان مثال برادر، دوست، همشهری و هم‌وطن. همان‌طور که در مثال ملاحظه می‌شود، تمامی این موارد نسبت به «خود»، «دیگر» محسوب می‌شوند، اما میزان نزدیکی برادر به خود، بیش از هم‌وطن است. در عرصه مطالعه فرهنگ این سطوح دیگر در قالب دو مفهوم «دیگری نزدیک» و «دیگری دور» صورت بندی می‌شود که البته مفاهیمی طیفی و در عین حال نسبی می‌باشند. در پیوند این مطلب به رفتار دوسویه فرهنگ در تعامل با خود و دیگر، این نکته دارای اهمیت است که یک فرهنگ خاص عمدتاً تعامل بهتری با «دیگری دور» در مقایسه با «دیگری نزدیک» خود دارد. به بیان دیگر هرچه میزان نزدیکی «فرهنگ دیگر» بیشتر باشد، تهدید محورهای هویتی فرهنگ خاص و نیز احتمال سست شدن تمامیت

جمع آوری و تحلیل داده‌ها

۱) هم‌سنجی غالبان و اهل سنت از حیث ارتباط با شیعه امامیه

نکته مهم دیگری که باید پیرامون آن توضیحاتی ارائه داد، علت انتخاب این دو جریان و فرقه مذهبی به عنوان سوی دیگری ارتباط با شیعه امامیه است. در پژوهشهای مقایسه‌ای کتابخانه‌ای باید مواردی را انتخاب نمود که دارای اشتراکاتی با یکدیگر باشند. علت برگزیدن این دو مورد، وجود روایات مشخص و متعدد از ائمه در رابطه با نحوه ارتباط با این دو گروه - که ناشی از اهمیت نحوه ارتباط شیعیان امامیه با آنها می‌باشد - حضور دائمی و ارتباط همیشگی این دو جریان با تشیع اثنی عشری، قرار گرفتن سیره ارتباطی ائمه در رابطه با این دو گروه در دو حالت کاملاً متفاوت و نیز ضرورت مضاعف کنونی برای توجه به این تعاملات در سطح جهانی و برای شیعیان امروز به خصوص مردم جمهوری اسلامی ایران است. نکته قابل توجه آن است که در نشانه شناسی فرهنگی، کثرت یا قلت جمعیت یک دسته یا گروه، منجر به برتر شمردن آنها نیست، بلکه میزان تولیدات فرهنگی به عنوان معیار شناخته می‌شود. در نتیجه گروهی کوچک می‌تواند به دلیل تولیدات متنی - در اصطلاح نشانه شناختی آن - فراوان، هم‌سنگ با یک گروه بزرگ که همان میزان تولیدات فرهنگی و نشانه‌ای دارد، شناخته شود. بر این اساس و از منظر تعامل و ارتباط با شیعه امامیه، غالبان با آنکه جمعیت بسیار اندکی را به خود اختصاص داده‌اند، اما تولیدات و مطالب فراوانی



۸. «در باب سازوکار نشانه شناختی فرهنگ»، ص ۴۲.

۹. «تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکرد آن»، ص ۲۱.

۱۰. نشانه شناسی: نظریه و عمل، ص ۱۳۲.



پیرامون آنها موجود است، بنابراین در این محور به عنوان مجموعه‌ای هم‌تراز با اهل سنت قرار می‌گیرند.

۲) اهل سنت به مثابه دیگری دور؛ تحلیل روایات ائمه (ع) پیرامون ارتباط با اهل سنت

ائمه اطهار (ع) شیعیان را در فضایی بسته و جدای از سایر مسلمانان در نظر نمی‌گرفتند، بلکه به نوع روابط ایشان با دیگران و نیز بینش دیگران درباره آنان اهمیت زیادی می‌دادند^{۱۱} که در این میان یکی از جدی‌ترین جریانهای مذهبی، اهل سنت بودند. ائمه اگرچه در فرصتهایی به بیان نکات مهمی در باب تفاوت دیدگاه خویش با اهل سنت در مسائلی نظیر خلافت می‌پرداختند،^{۱۲} اما توهین به خلفا را نهی می‌کردند و برای ایشان احترام قائل می‌شدند. چنانچه در کتاب *علل الشرایع* - یکی از منابع مهم شیعه - آمده است: ابوحنیفه - پیشوای اهل سنت - نزد امام صادق (ع) رفت و سؤال کرد: گروهی از شیعیان از سه خلیفه نخست به شدت بدگویی و اعلام بی‌زاری می‌کنند و مدعی هستند که شما چنین توصیه‌ای به آنان کرده‌اید؟ امام (ع) فرمود: «وای بر تو! من چنین چیزی نگفته‌ام»، ابوحنیفه گفت: اما آنها بسیار برای این کار اهمیت قائل‌اند! امام (ع) فرمود: «از من چه انتظار داری؟» ابوحنیفه گفت: اگر نامه‌ای برایشان بنویسید و من به آنان برسانم، از این کار دست برمی‌دارند، امام (ع) فرمود: «[در این صورت] سخنم را اطاعت نخواهند کرد».^{۱۳}

گویا امام صادق (ع) نگران بود که اگر چنین نامه‌ای توسط یک عالم سنی به گروهی از تندروهای شیعه در کوفه ابلاغ شود، تأثیری نداشته باشد. اما از آنجا که امام (ع) به راستی از تصریح مردم کوفه به لعن بزرگان اهل سنت ناخشنود بود، شخصاً نامه‌ای نوشت

۱۱. نهم ربیع، جهانها خسارتها، آسیب شناسی انسجام اسلامی، ص ۸۱.

۱۲. نک: نهج البلاغه، خطبه ۳.

۱۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۱.

و توصیه‌های فراوانی به شیعیان کرد، از جمله اینکه باید با اهل سنت خوش رفتاری کرده، از تظاهر به دشنام گویی خودداری کنند؛ زیرا چنین رفتار ناشایستی جز اینکه طرف مقابل را به مقابله به مثل وادار کند، سودی نخواهد داشت. از آن پس شیعیان آن نامه را در جایگاه نماز خود قرار می‌دادند و بعد از نماز می‌خواندند و تلاش می‌کردند به آن پایبند باشند.^{۱۴}

از متن روایات این‌گونه استنباط می‌شود که در زمان ائمه، علاوه بر این، برخی از شیعیان به خلفا توهین می‌کردند، برخی دیگر مشخصاً پیروان این دسته مذاهب را مورد توهین قرار می‌دادند که از منظر ارتباطی، حداقل فضای لازم برای برقراری ارتباط وجود نداشته است. در واقع در این شرایط فضا به سمت عدم برقراری ارتباط پیش می‌رفت. اما همان‌طور که بیان شد، مشی ائمه (ع) بر برقراری ارتباط میان شیعیان خویش و اهل سنت بود. نمونه این موضوع و برخورد ائمه را می‌توان در روایت ذیل مشاهده کرد که از آن چنین برمی‌آید که برخی از شیعیان تندرو، اهل سنت را با القاب ناپسندی خطاب می‌کرده‌اند، اما این امر از سوی امام (ع) مردود اعلام شده و از آن نهی فرموده است.

امام صادق (ع) فرمود: «از خدا پروا کنید و با هر کس همدم می‌شوید، به نیکویی هم‌نشینی کنید و با همسایگان خوش رفتار باشید و امانت را به صاحبانش برگردانید و مردم را خوک نخوانید. اگر شیعه ما هستید، همان‌گونه که ما سخن می‌گوییم، سخن بگویید و مانند ما رفتار کنید، تا به راستی شیعه ما باشید».^{۱۵}

حتی تلاش ائمه برای ایجاد ارتباط مؤثر میان شیعیان و اهل سنت تا آنجا پیش رفت که ایشان پیروان خویش را در زمان جسارت برخی سنیان تندرو به مقام ائمه، توصیه به حفظ آرامش نمودند. در همین رابطه می‌توان

۱۴. الکافی، ج ۸، صص ۲-۱۴.

۱۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۶۱.

به روایت زیر اشاره کرد:

امام صادق(ع) خطاب به شخصی فرمود: «به گمانم هرگاه در پیش رویت کسی به علی(ع) دشنام گوید و تو قدرت داشته باشی، بینی آن دشنام دهنده را از جا درمی آوردی». آن شخص گفت: آری به خدا فدایت شوم، من و خانواده‌ام این چنین هستیم. امام(ع) فرمود: «این کار را نکن، به خدا قسم چه بسیار شنیدم که کسی به علی(ع) دشنام می‌داد، در حالی که بین من و او ستونی بیش فاصله نبود، و من به واسطه آن خویش را نمایان نمی‌کردم و زمانی که نمازم را تمام می‌کردم، از کنار او می‌گذشتم و بر او سلام می‌دادم و با او مصافحه می‌نمودم».^{۱۶}

علاوه بر تأکید امامان(ع) بر لزوم عدم توهین به اعتقادات اهل سنت، ایشان در عرصه اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی هم بر اساس ارتباط عقل محور و به دور از تعصب رفتار می‌نمودند که به عنوان الگوی عملی و رفتاری برای شیعیان خویش مطرح بود و در واقع سیره ارتباطی خویش را بروز می‌دادند. چنانچه معاویة بن وهب می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: چگونه شایسته است برای ما که با قوم خود، و مردمانی که با ما آمیزش دارند و شیعه نیستند، رفتار کنیم؟ امام(ع) فرمود: «به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنها پیروی کنید، آن گونه که آنان رفتار می‌کنند، شما نیز همان طور رفتار کنید، به خدا سوگند آنها به عیادت بیمارانشان می‌روند، و بر جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند، و به سود و ضرر آنها گواهی می‌دهند، و امانتهای آنان را به آنها برمی‌گردانند».^{۱۷}

همچنین ائمه(ع) در کنار انجام عملی تعاملات و ارتباطات اجتماعی با اهل سنت و سعی در ارائه عملی سیره صحیح ارتباطی با ایشان، به صورت مستقیم نیز شیعیان را به انجام این امور توصیه می‌نمودند. در این زمینه روایات بسیاری وجود

دارد که در برخی از موارد، توصیه به انجام تعاملات اجتماعی و ایجاد فضای ارتباطی سالم در سطح اجتماع شده است.

امام علی(ع) چنین می‌فرماید: «ای بریده، داخل شو در آنچه مردم در آن داخل شده‌اند؛ زیرا اجتماع ایشان نزد من، از پراکندگی امروز آنها، محبوب تر است».^{۱۸} امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «ای گروه شیعه! که به ما منسوب هستید، برای ما زینت باشید، مایه ننگ و عار ما نباشید، چه مانعی دارد که همانند یاران علی(ع) در بین مردم باشید؟ به طوری که اگر مردی از ایشان در بین قبیله‌ای قرار می‌گرفت، امام و مؤذن آنها بود، و صاحب امانت، و محافظ مال آنان بود. مریضان آنان را عیادت کنید، و در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، و در مساجدشان نماز بخوانید. نگذارید در امر خیر از شما پیشی گیرند، به خدا قسم شما سزاوارتر از آنها به آن امر هستید». راوی می‌گوید: سپس امام(ع) رو به من کرده و چون در آنان از همه جوان تر بودم، فرمود: «و شما ای جوانان بپرهیزید از تکیه دادن به بالش، به عیادت آنها بروید، تا حدی که آنها دنباله‌رو شما شوند، و خداوند برای شما بهتر از آنان است».^{۱۹} همان طور که از روایت برمی‌آید، امام(ع) توجه خاصی به جوانان داشته و سعی کرده است مشخصاً آنها را مورد خطاب قرار دهد، تا از احتمال بروز تعصب کورکورانه در میان آنها جلوگیری شود.

ائمه در برخی موارد سطح این تعاملات ارتباطی را به همراهی با اهل سنت در انجام مناسک دینی - که مهم ترین وجه تفاوت شیعیان امامیه و اهل تسنن در این حیظه قرار دارد - وسعت می‌دادند: «هرکه با آنها (مخالفان) در صف اول نماز بگزارد، گویا با رسول خدا

۱۸. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۹۲؛ الشافی فی الامامه، ج ۳، ص ۲۴۲.

۱۹. مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۲۳؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۱۹.

۱۶. مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۲۸.

۱۷. همان، ص ۱۲۳.





در صف اول نماز خوانده است».^{۲۰} نیز اسحاق بن عمار می‌گوید که امام صادق(ع) به من فرمود: «ای اسحاق، آیا با مخالفان در مسجد نماز می‌خوانی»، گفتم: آری، امام فرمود: «با آنها نماز بخوان؛ زیرا کسی که با آنها در صف اول نماز بخواند، مانند کسی است که شمشیرش را در راه خدا آخته و کشیده است [و جهاد می‌کند]».^{۲۱} از آنجا که منطق و سیره عملی تمامی ائمه اطهار(ع) بر حقیقتی واحد استوار بوده است، می‌توان از روایت اخیر این‌گونه برداشت کرد که دوری از تعصب و برقراری ارتباطی مؤثر میان شیعیان و اهل سنت از نظر ایشان تا چه اندازه مهم و اساسی بوده است که برای آن چنین درجاتی را قائل می‌شدند. در واقع از آنجا که اهل سنت به عنوان دیگری فرهنگی شیعه امامیه مطرح هستند و البته نقش دیگری دور را - در مقایسه با غالیان - دارا می‌باشند، می‌توان سیره ائمه(ع) را از این منظر مورد توجه قرار داد. در واقع تعامل و ارتباطات صحیح با این گروه با توجه به گسترده‌گی جمعیتشان در جهان اسلام، موجب می‌شد، تا اولاً؛ هویت شیعیان واقعی به عنوان یک «خود» فرهنگی به خوبی معرفی شود، ثانیاً؛ تبلیغاتی که علیه ایشان صورت می‌گرفت، خنثی شود و این «خود شیعی» ارزش‌گذاری مثبتی در سطح جهان اسلام پیدا کند، ثالثاً؛ باعث حفظ وحدت و یکپارچگی جهان اسلام با تمرکز بر شباهت‌های اعتقادی در ایشان شود.

البته نباید این نکته را فراموش کرد که همان‌طور که در بخش نظری تأکید شد، قرابت و تعامل با «دیگری فرهنگی» تا حدی پیش خواهد رفت که «هویت فرهنگی خود» تهدید نشود و مرزهای هویتی سست نگردند. در این رابطه می‌توان به روایتی از امام صادق(ع) اشاره کرد که می‌فرماید: «با مردم (سایر مسلمانان) در ظاهر بیامیزید و در باطن با آنها مخالفت

کنید (و بر اعتقادات حقه خویش باقی بمانید)، تا زمانی که حکمرانی کودکانه است».^{۲۲}

۳) غالیان به مثابه دیگری نزدیک؛ تحلیل روایات ائمه(ع) پیرامون ارتباط با شیعیان افراطی

همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، غالیان به افرادی گفته می‌شد که جنبه‌ای از الوهیت یا نبوت را برای حضرت علی(ع) و سایر ائمه شیعه قائل باشند. البته از نگاهی ویژه، غلو نتیجه محبت بسیار قوی است که در بدو امر در میان شیعیان کوفه - که عرب بودند - نسبت به امام به وجود آمد و این به همان اندازه که برگرفته از علاقه مردم به امام علی(ع) است، به نوعی واکنش در برابر دشمنی بی‌اندازه امویان در طول ۹۰ سال بر ضد آن حضرت می‌باشد.^{۲۳} بنابراین غالیان را می‌توان نوعی محبت افراطی به ائمه قلمداد کرد که البته این امر بیشتر در سطح پیروان این فرقه مطرح می‌باشد و احتمال هرگونه انگیزه جاه‌طلبانه از سوی رهبران آن نیز وجود داشته است.

اگرچه از دوره امیرالمؤمنین علی(ع)، غالیانی حضور داشته‌اند و حتی توسط ایشان مجازات می‌شده‌اند، اما این روند در دوره‌های بعد، شدت بیشتری به خود گرفت. در طول این مدت، امامان شیعه به صراحت با جریان انحرافی غلو - که نمونه‌های روشن آن در عصر صادقین(ع) پدید آمد - مخالفت کرده و عقاید درست و حد و مرز اعتقادات صحیح دینی خویش را آشکار ساخته‌اند.

نمونه این موارد را می‌توان در برخورد اعتقادی شدید امام صادق(ع) با رهبران این فرقه مشاهده نمود. در روایتی ایشان درباره ابوالخطاب فرمود: «... لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر ابوالخطاب باد. من شهادت می‌دهم که او کافر، فاسق و مشرک است».^{۲۴} در جای

۲۲. الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۱۰۹.

۲۳. تاریخ تشیع در ایران، صص ۵۱ و ۵۲.

۲۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۰.

۲۰. الکافی، ج ۳، ص ۳۸۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۱.



دیگری به غالیان فرمود: «به درگاه باری تعالی توبه کنید، شما فاسق، کافر و مشرک هستید».^{۲۵} تکفیر صریح امام راه را بر هرگونه ادعای دروغینی که غالیان داشتند و اظهار می‌کردند که امام صادق (ع) تنها با تقیه با آنان رفتار می‌کند، می‌بست.^{۲۶}

این رویکرد ائمه (ع) موجب شد، تا بستر تعامل از میان برچیده شود و برقراری هرگونه ارتباطی از جانب شیعیان با پیروان فرقه غالیان، منتفی گردد. لازم به ذکر است که در برخی موارد انتقادات امام از ایشان جنبه‌های تندتری نیز به خود می‌گرفت. به عنوان نمونه «سهمی» در کتاب تاریخ جرجان از فضیل بن مرزوق و وی از عیسی جرجانی نقل می‌کند که نزد امام صادق (ع) حاضر شدم و برخی از عقاید غالیان نظیر اعتقاد به الوهیت امام (ع) و نبوت ایشان را شرح دادم. امام صادق (ع) پس از تأثر و گریه فراوان فرمود: «اگر خداوند مرا بر آنان مسلط کرد و خون آنان را نریختم، خداوند خون فرزندانم را به دستم بریزد».^{۲۷}

البته این مقابله تنها به سطح اعتقادات محدود نشد، بلکه به عرصه اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی نیز وارد گردید، به گونه‌ای که ائمه (ع) هرگونه برقراری ارتباط مبتنی بر فهم مشترک را نهی می‌کردند و توصیه‌هایی نیز بر همین مبنا به پیروان خویش داشتند. به عنوان نمونه در روایتی مستند از قول امام صادق (ع) آمده است که حضرت با اشاره به اصحاب ابوالخطاب و سایر غالیان، به مفضل فرمود: «ای مفضل! با غالیان نشست و برخاست نکن، هم غذا نشده و همراهشان چیزی نوشید و با آنان مصافحه نکنید».^{۲۸}

در این میان امام به ویژه نسبت به جوانان شیعه حساسیت زیادتری داشت و می‌فرمود: «درباره جوانان خویش از اینکه غالیان آنان را فاسد کنند،

۲۵. همان.

۲۶. تاریخ تشیع در ایران، ص ۶۰.

۲۷. همان، ص ۵۸.

۲۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۵.

نتیجه‌گیری

۱. ارتباط و تعامل میان ادیان، مذاهب و فرقه همواره در طول تاریخ امری پیچیده و دارای زوایای متعدد بوده است، به خصوص آنکه در موقعیت کنونی جهان



و به ویژه اسلام، این موضوع به شدت فراتر از امری صرفاً مذهبی تلقی می‌شود و تبعات جدی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به همراه دارد و در بسیاری از موارد با حیات تفکر اصیل اسلامی گره خورده است.

۲. هرچند در نگاه اول، دو گروه اهل سنت و غالیان از نظر جمعیت و وسعت جغرافیایی و اعتقادی مشابه نیستند، اما از آنجا که مسئله مورد نظر ارتباط با شیعیان امامیه و از منظر مطالعه نشانه‌شناسی فرهنگی است، این ناهمگونی رفع می‌گردد؛ زیرا از دیدگاه نشانه‌شناسی فرهنگی، نه جمعیت و گستره جغرافیایی، بلکه میزان تولیدات نشانه‌ای در عرصه مورد نظر دارای اهمیت است.

۳. می‌توان غالیان را در نسبت با شیعیان امامیه، به عنوان «دیگری فرهنگی نزدیک» قلمداد کرد. در واقع این گروه، یکی از فرق جدا شده از فضای شیعیه امامیه هستند و تعامل اجتماعی زیادی نیز با شیعیان داشتند. بر این اساس، به دلیل آنکه این دیگری نزدیک، تهدید کننده محورهای بنیادین هویتی شیعیان اثنی عشری به شمار می‌رفتند و امکان تغییر و انحراف جریان اعتقادی مورد نظر ائمه (ع) را فراهم می‌نمودند؛ هرگونه

گرایش به این رویکرد، چه در عرصه اعتقادی و چه در عرصه اخلاقیات و رفتارهای اجتماعی، از سوی ائمه (ع) مورد تقبیح و نهی شدید قرار گرفته است.

۴. اهل سنت را بر طبق جهت‌گیری روایات، می‌توان به عنوان «دیگری دور» در نسبت با اجتماع شیعیان امامیه در نظر گرفت. به دلیل آنکه این «دیگری فرهنگی دور» مرزهای هویتی خود - شیعیان اثنی عشری - را به طور جدی تهدید نمی‌کند، امکان تعامل مبتنی بر اشتراکات با ایشان افزایش می‌یابد.

۵. در روایات ائمه (ع) که در واقع به مثابه تدابیری فرهنگی بودند، این وحدت و هم‌گرایی حدودی مشخص دارد و نباید مرزهای فرهنگ اختصاصی تشیع اثنی عشری به عنوان «خود فرهنگی» مورد تهدید قرار گیرد.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الامامیه، تحقیق: عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- همو، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
- همو، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- پاکتچی، احمد، «تحلیل نشانه‌شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکرد آن»، مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران، سخن، ۱۳۹۱ش.
- همو، جزوه درسی نشانه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸ش.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران؛ از آغاز تا ظهور دولت صفویه، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸ش.
- سرفراز، حسین، سیاست فرهنگی تفاوت و نشانه‌شناسی فرهنگی پدیده موسوم به جنبش سبز در

- جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
 دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی،
 فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۹ش.
- گیرو، پی‌یر، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی،
 تهران، آگاه، ۱۳۸۰ش.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم،
 مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- لوتمان، یوری؛ و اوسپنسکی، بوریس، «در باب
 سازوکار نشانه‌شناختی فرهنگ»، ترجمه فرزانه
 سجودی در: سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی فرهنگ،
 تهران، نشر علم، ۱۳۹۰ش.
- شریف مرتضی، الشافی فی الامامه، قم، اسماعیلیان،
 چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکات الانوار فی غرر
 الاخبار، ترجمه عبدالله محمدی، قم، دارالتقلین، چاپ
 اول، ۱۳۷۹ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالتقافه،
 چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- قاضی نعمان، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف،
 ۱۳۸۵ق.
- مسائلی، مهدی، نهم ربیع، جهالتها خسارتها، آسیب
 شناسی انسجام اسلامی، قم، وثوق، ۱۳۸۷ش.
- نور، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه
 آل‌البتیت(ع)، ۱۴۰۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب

